

سیاست مذهبی نادر شاه افشار

پرسش از سیاست مذهبی نادرشاه افشار در عصر پس از دوران صفویه، یکی از مهم ترین موضوعاتی است که پژوهشگران تاریخ ایران با آن روبه رو هستند. یکی از دلایل مهم توجه پژوهشگران به این مقوله، بروز سیاست های مذهبی متضادی نسبت به عصر صفوی از سوی نادرشاه افشار بود. گرچه این توجهات بیش تر در ظاهر اقدامات مذهبی نادرشاه باقی مانده و راهی به باطن آن پیدا نشده است. در این پژوهش، بازخوانی نگرش ها در آثار مربوط به این موضوع با توجه به منابع آن ها صورت می پذیرد.

در کتاب تاریخ نادرشاه افشار نوشته ی جیمز بیلی فریزر در مورد سیاست مذهبی نادرشاه دو نکته ی مهم وجود دارد. نکته ی اول این که نادر شاه فردی است که با روی آوردن به طریقه ی اهل سنت تنش با همسایگان ایران را فروکش نماید. چون همیشه از اختلاف طریقه ی مذهبی ما بین ایران و همسایه ها، که عثمانی و هندوستان و ترکمانی باشند، اغتشاشات و صدمات زیاد برخاسته است، میل دارم معدودی از علمای شیعه و سنی جمع شوند طریقه ی متحده ایی قرار داده، رفع اختلاف نمایند و به اعتقاد من چون فقراتی که اسباب اختلاف شیعه و سنی شده است اهمیتی ندارند، قراری فی مابین به سهولت می توان داد. و حتی توضیحی در مورد نوع طریقه ی اهل سنت داده نشده است. و نیز فرمانی صادر و حکم کرد که تمام رعایا طریقه ی اهل سنت را پیروی نماید و الاً مورد سیاست خواهند بود. اوقاتی که در اصفهان بود، دول همجوار رسم تهنیت به جای آوردند پادشاه عثمانی او را به سلطنت ایران شناخت و از این که مذهب و طریقه ی سنت را در ایران برقرار کرد، و طریقه ی سابق را تقویت ننموده، به او تبریک گفت. نکته ی دوم این است که نادرشاه به شدت با روحانیون شیعی مشکل دارد و به هیچ عنوان اجازه فعالیت به هزینه ی دربار را به ایشان نمی دهد. البته این اختلاف از زمان تاج گذاری نادر و تمرد رئیس علما صدرالصدور از وی ناشی می شود. تمام بزرگان به سهولت دو تکلیف اول را قبول کردند، ولی در باب تکلیف آخر استدعا کردند که اول از رئیس علمای صدرالصدور سوال شود رأی خود را اظهار کند، بعد قبول کنند. بنابراین صدرالصدور به تهماسب قلی خان این طور عرض کرد، که در باب امور مذهب، راهنمای ما احکام خدا و احادیث پیغمبر است، سلاطین نباید تغییر و تجدیدی در آن بکنند، لهذا از اعلحضرت ملوکانه استدعا می کنم، که آغاز سلطنت را به برانداختن مذهبی که برقرار است نفرمایند، این اقدام یقیناً نتایج خطرناک خواهد داشت. تهماسب قلی خان فوراً حکم کرد صدر را خفه کردند که مردم متابعت این اظهار او را نمایند. و در جای دیگر فریزر دلیل بدرفتاری با علمای شیعی را قتل صدرالصدور می داند. با همه به طور مهربانی رفتار کرد، مگر با علما که می دانست به واسطه ی قتل صدرالصدور و به واسطه ی عزمی که در تغییر مذهب داشت

آغاز خصومت با او کرده اند.

در کتاب حکومت نادر شاه که به روایت منابع هلندی توسط ویلهلم فلور جمع آوری شده است. به بی بند و باری نادر نظر داده شده است. هم چنین نادر به نوشیدن الکل معتاد شده و به سپاهیان نیز اجازه ی نوشیدن شراب داده بود. وی به روسپی گری میدان فراخ داده و به سپاهیان روسپی خانه ها و شراب خانه ها را سالانه به پنج هزار تومن اجاره کرده است. هلندیان برای اثبات میزان فساد اخلاق او گزارش دادند که گفته است: ((خدا کیست من همه ی زنان را ملک عام کرده ام!)) و در ادامه عدم تعلق خاطر به مذهبی خاص را نشان می دهد. عبدالباقی خان و همراهانش راهی استانبول شده بودند تا در باب عالی اعلام دارند که رعایای ایران به میل و اراده ی خود شاهی نو برگزیده اند. افزون بر این پس از این تفاوتی میان مذهب ترکان و کیش ایرانیان نخواهد بود و هر یک از رعایا مختارند که هر مذهبی را می خواهند داشته باشند و این امر، سخت ایرانیان را

خشمناک ساخته بود. و به ادعای منابع، نادر برای شناختن شاهی وی توسط ترکان و هم چنین صلح کردن با ایرانیان مذهب را آزاد نمود. ولی بر خلاف فقرات بالا حرکات مذهبی خاص نادرشاه را شاهد هستیم که دستور می دهد پنج هزار کلاه خاکستری در کرمان بدوزند که با کلمات زیر گل دوزی کنند: هزار کلاه با کلمات یا الله، هزار کلاه با کلمات یا رحمان، هزار کلاه با کلمات یا رحیم، هزار کلاه با کلمات یا کریم و هزار کلاه با کلمات یا سبحان. این کلاه ها مخصوص نگهبانان خاص نادر بود. گرچه تساهل در امور مذهبی در این منبع مورد اشاره ذکر شده است ولی بنا بر گفته ی هلندیان شهر کرمان چنان در معرض تاراج و چپاول قرار گرفت و ویران گشت که هرگز در تاریخ بشر سابقه نداشت. نادر هدایای زرتشتیان را بسیار اندک دانست و فرمان داد که آن ها باید یا دویست تومان بپردازند یا همگی مسلمان شوند.

لکهارت در کتاب نادر شاه ابتدا اثبات می نماید که نادر شیعه بوده است. استعمال نام هایی که ویژه ی شیعیان است از قبیل رضاقلی و امام قلی و مرتضی قلی در خانواده ی نادر گواهی بر آنست که وی از اهل تشیع بوده است و اظهارات برخی از مورخان که نادر سنی به دنیا آمده است مقرون به حقیقت به نظر نمی رسد. از اقدامات نادر شاه برای ادای نذر خود در حرم امام رضا محتمل می دارد که وی تعصب در تشیع، او را به این کار برانگیخته ولی بیش تر احتمال داده است که دل مجتهدین و علما را که دارای نفوذ فراوان بودند را به دست آورد. البته این ادعای نذر نادر قبل از تاج گذاری وی می باشد.

در پیمان سال ۱۱۴۶ق. که بین احمد پاشا و نادر امضاء گردید یکی از مواد اساسی آن تسهیلات لازم برای زیارت ایرانیان از اماکن مقدسه خاک عثمانی بهره مند گردند. و در ادامه بین نادر و احمد پاشا تحف و هدایای گران بهایی مبادله گردید و احمد پاشا برای زیارت اماکن مقدسه کاظمین و نجف و کربلا از طرف نادر برنامه مجللی ترتیب داد.

لکهارت استدلال تغییر مذهب توسط نادر را ارائه می دهد: مذهب سنت به جای شیعه برقرار

گردد زیرا مذهب شیعه از جانب اسماعیل صفوی در ایران شایع گردیده همواره موجبات خونریزی و جنگ بین ایران و عثمانی را فراهم ساخته است. اهالی ایران به سلطنت ما(نادر) راغب باشند باید به مذهب اهل سنت سالک شوند لیکن چون حضرت امام جعفر ذریه رسول اکرم است ایرانیان باید او را پیشوای مذهب خود بدانند و در فرع مقلد طریقه و اجتهاد آن حضرت باشند. اگر چه ممکن است که نادر در آغاز شیعه بوده باشند با این همه یقین به نظر می رسد که عقاید مذهبی او چندان استوار نبوده و هدف های سیاسی را همواره مقدم بر ایمان مذهبی قرار می داده است. هیچ شک نیست که یکی از منظورهای نادر از این اقدام تسهیل سازش موقت با عثمانیان بوده است و حتی ممکن است که هدفی به مراتب بزرگ تر داشته و می خواسته است بدین وسیله در جهان اسلام اتحادی تزلزل ناپذیر برقرار سازد و خود رهبری این اتحادیه بزرگ را به دست آورد. برای جاه طلبی حدوحصری نمی توان قائل شد و چون نادر نقشه لشکرکشی به قسطنطنیه را کاملاً آماده نموده بود قطعاً به این اندیشه نیز افتاده بود که قدمی فراتر نهادن و خلافت را از سلطان عثمانی تحویل گرفتن نیز چندان کار دشواری نیست. علت دیگری که برای تغییر مذهب نادر می توان ذکر کرد آن است که مذهب شیعه همواره مذهب رسمی خاندان صفوی به شمار می رفته است و پادشاهان صفوی بیش تر قدرت و عظمت خود را مدیون وفاداری کامل به اصول تشیع بوده اند و بنابراین هیچ بعید به نظر نمی رسد نادر به این فکر افتاده باشد که هر گاه به ارکان قدرت علما لطمه ای وارد نسازد ممکن است در فرصت مناسب از نفوذ خویش استفاده نموده و در راه استقرار طهماسب میرزا یا پسرش عباس میرزا بر تخت سلطنت ایران بار دیگر اقدام نمایند.

حتی پس از تاج گذاری، تظاهرات مذهبی نادر شاه قابل مشاهده است. در سال ۱۱۵۴ق. نادر مخصوصاً به تجلیل بقعه امام رضا همت گماشت و هدایای بی شماری تقدیم آن نمود که از جمله آن ها باید مقداری فرش های ابریشمین و چهارده چراغ از طلای تمام عیار را نام برد. در صحن امام رضا نیز حوضی از مرمر سفید گرانبها ساخت که سه پا طول و هیجده پا محیط داشت. به ادعای لکهارت هنوز مورخان به درستی معلوم نکرده اند که آیا نادر شیعه بوده است یا سنی لکن این نکته مسلم است که نادر برای الحاق دو مذهب سنت و تشیع کوشش فراوان به کار برده است. این سیاست کاملاً مخالف روش شاه اسماعیل و جانشینان وی بود که عقیده داشتند مذهب شیعه در ایجاد اتحاد و اتفاق بین قبایل مختلف ایران نقش بزرگی بازی کرده است. اما نادر بیش تر دارای تمایلات بین المللی بود تا ملی و پیوسته آرزو داشت که خاک ایران را حتی المقدور توسعه دهد و از حدود امپراتوری صفوی تجاوز کند و رویای فرمانروایی در جهان اسلام متحدی را لباس حقیقت پوشد. نادر نسبت به اقلیت ها نیز پیوسته روش مودت آمیزی پیش گرفته و بین آن ها و مسلمانان فرقی قائل نمی شد. نادر حتی با انتقال عده بی شماری از ارامنه نخجوان به مشهد آزاد گذاشتن آنان در پیروی مذهب خویش و دایر کردن مغازه های مشروب فروشی مومنین

مسلمان را سخت برآشت.

اثری دیگری که مربوط به این تحقیق می باشد کتاب زندگی نادر شاه نوشته ی جوسن هنوی با شواهدی نادر شاه را به سست دینی و یا بی دینی متهم می کند. برای از بین بردن آزادی های مردم روشی بهتر از برانداختن مذهب معمولی یا بی ارزش کردن آن وجود ندارد. مذهب در نظر مردم همیشه حائز اهمیت است زیرا تنها وسیله ی اعتقاد به وجود خدا و جاویدانی روح می باشد.

نادر در بسیاری از موارد دلیری های علی(ع) را بی ارزش می دانست و از رفتار او انتقاد می کرد و می گفت علی سپاهیان خود را در بیابان ها به حرکت در می آورد و عده زیادی از آن ها را به سبب تشنگی هلاک می کرد. آن گاه از مردم می پرسند: چرا به جای استمداد از علی، از خدا کمک نمی خواهید؟ ظاهراً نادر در مقاصد مذهبی خود انگیزه ی پیچیده ایی را دنبال می کرد، و می خواست که ذهن مردم را به خود مشغول دارد و در همان زمان با ایجاد مذهبی نوین مانند پادشاهان گذشته به شهرت خود بیفزاید.

نادر عقیده داشت که نویسندگان انجیل در شرح های خود بیش از علمای مسلمان و کشیشان اختلاف دارند و بنابراین اشکال مرتفع نخواهند شد و اگر خدا به من عمر بدهد، از مذهب اسلام و عیسوی مذهبی به وجود خواهم آورد که از آیین های دیگر بشر به مراتب بهتر باشد.

آندره دو کلوستر تساهل دینی نادر شاه را در کتاب تاریخ نادر شاه گوشزد می کند. نادر دست خطی نیز به نفع مسیحیانی که در کشور پراکنده اند منتشر کرد و آن ها را در وابسته بودن به کلیسای روم یا خلیفه گری ارامنه آزاد گذاشت و فرمان داد هیچ فرد مسیحی نباید در اجرای اعمال مذهبی خود مورد آزار و اذیت قرار گیرد و گرجیان را از قانونی که پادشاهان ایران در سابق بدان ها تحصیل کرده بودند معاف ساخت. به موجب این قانون گرجی ها برای اشتغال مناصب حکمرانی و سایر مقامات دولتی ناگزیر به قبول آئین اسلام بودند.

اشرافیان و آرنوار معتقدند که مذهب در دست نادر بازیچه ایی بیش نبوده است. اصلاحات مذهبی نادر شاه در واقع می بایست مددکار سیاست خارجی اشغال گرانه ی او باشد. نماینده ی دیپلماسی روس در گزارش ۱۰مارس سال ۱۷۴۵م. خود می گوید که نادر با یک هزار جنگجو به سوی کرمان حرکت کرده تا از آن جا عازم کلات و سپس مشهد شود، زیرا طبق اخباری که در دست است او می خواهد نوروز را در آن جا بگیرد. "اعلیحضرت میل دارد که کنار امام رضا، عابد و دیندار ایرانی که مدت هاست در خاک مشهد خفته است، علیه ترک ها شمشیر به کمر بندد" می گویند که همین امام رضا پادشاهی خود را به خاطر حمایت و دفاع از دین به دشمن داده. اعلیحضرت که گویا دیگر هیچ گونه رغبتی از جانب عثمانی برای اتحاد فرقه های محمدی که او پیشنهاد کرده بود نمی بیند، ناچار تکریم و تعصب ریاکارانه ایی نسبت به مذهب ایرانی شیعه اعمال می کند. بدین ترتیب، خودداری نادر از اجرای اصلاحات مذهبی که هدفش توسعه ی

شالوده سیاسی حکومت و اعمال نقشه های اشغال گرانه بود خود شاهد شکست کامل این سیاست بود.

دکتر رضا شعبانی در سیاست مذهبی نادر شاه با لکهارت هم عقیده می باشد. لکهارت در ضمن بررسی تاریخی خود، نظری در این باب داده است که به اعتقاد نگارنده، می تواند نموداری از حقیقت باشد. می نویسد: نادر اشتباه های فراوانی داشت ولی از تعصب مذهبی به دور بود و اقدامات او را در این زمینه، نمی توان در شمار خطاهایش دانست. راست است که به شیعیان سختگیری هایی روا داشت ولی این کارها را صرفاً به دلیل جلوگیری از تشتت دینی می کرد. در مورد تلاش های آمیخته با خشونت وی برای نزدیکی شیعیان با سنی ها سخن بسیار گفته شده است. این اعمال درست در جهت عکس اقداماتی است که شاه اسماعیل و جانشینانش برای تمرکز قدرت در دست شیعیان، سپردن نقش اساسی اداره ی مملکت بدان ها و وحدت مذهبی در ایران معمول داشته بودند. مسلم است که نادر بیش از جنبه ی محدود ملی، دیدی وسیع و جهانی داشته، و حدود سرحدات امپراتوری خود را بسیار دورتر از مرزهای کشوری صفویان در نظر آورده است. نتیجتاً این طور می شود استنباط کرد که او در اندیشه ی قرار دادن خویش در رأس یک دنیای واحد اسلامی، بوده است.

اندیشه تحت تأثیر پان ترکیستی که اخیراً به وجود آمده است به نادر شاه و حکومتش از زاویه ی دیگری به آن پرداخته شده است. شاید بتوان گفت برخی از زوایای تاریک مسائل نادر شاه در منابع پژوهش های تاریخی در مورد این موضوع را، بررسی شده است. نادر شاه را بنیان گذار دولت ترکی آذربایجانی افشار می دانند. وی را دارای خصوصیتی منحصر به فرد که در کمتر حاکم ترک، آذربایجانی و یا اسلامی دیگر می انگارند. وی را، از دولت مردان روشن فکر و آزاداندیش پیشگام رنسانس، رفرم مذهبی و ایجاد دولت دنیوی-عرفی در جهان

تورکی، اسلام، آذربایجان و ایران بوده و یکی از برجسته ترین فعالین در راه تساهل دینی، تقریب مذاهب و تلفیق ادیان و هم چنین بنیان گذار مذهب ترکی جعفری است. مذهب ترکی جعفری را قرائت ترکی شیعه اثنی عشری می دانند که منکر مقام روحانیت است. ایل افشار را از علویان یعنی غلات شیعه می دانند. نادر شاه به نیت حل کشمکش های مذهبی عمده عصر خود مابین ترک های غالی شیعه -همان قزلباشان علوی- و ترک های سنی، کاهش فاصله ایجاد شده بین این دو توده ی ترک پس از دوره ی صفوی، ایجاد مدارای مذهبی میان مذاهب تشیع و تاسیس روابط دوستانه با دولت های هم تبار و هم زبان ترک عثمانی و ترکستان گام برداشته است.

چارچوب قرائت ترکی جعفری به عنوان مذهب حقه پنجم سنت، بالذات توسط نادر شاه افشار مشخص شده و در آن روحانیت مرکزی نیست و تقدس ندارد. در شیعه ترکی جعفری حوزه عمل صنف خادمان دین، که مطلقاً می بایست تحت کنترل حکومت عرفی عمل نماید، منحصرأ محدود به مسائل عبادی و خدمات فقهی است. در قرائت و تفسیر ترکی-جعفری از شیعه اورتودوکس

اثنی عشری، از امهات مذهب امامی، مانند ولایت و عصمت امامان و روحانیون و از بدایعی مانند نظریه ولایت فقیه و غیر آن خبری نیست و صنف روحانی فاقد قدرت، اهمیت و قداست است. برخی منابع ترک ترکیه ایی نادر را سنی حنفی و برخی منابع فارسان ایرانی وی را شیعی امامی قلمداد نموده اند. برخی نیز گفته اند که تعلق مذهبی وی روشن نیست. این تثبیت و ادعاها نادر نادرست اند. ایل و خانواده نادر شاه افشار قزلباش مذهبی، و خود وی قزلباش تباری، زبانی و فرهنگی است. دوستی اهل بیت در عین عدم التزام به احکام شریعت، علامت فارق مذهب باطنی غلات و در رأس آن ها قزلباش های ترک است، خصوصیات که در نادر شاه افشار نیز دیده می شوند. نادر شاه به اماکن مقدس شیعی و علوی، به عتبات در کربلا و نجف توجه خاصی نشان داده است. در بازدید وی از ساختمان های رواق حضرت علی در نجف تمام امرای لشکر دولت ترکی افشاری حاضر بوده اند. وی به نام امام هشتم سکه زده و سجع مهر وی چنین بوده است: لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار، نادر عصرم، ز لطف حق، غلام هشت و چار. نادر در سال ۱۱۴۹ق. در اصفهان پیروزی های اخیر خویش را ناشی از تفضلات جناب اقدس ربانی و امداد و اعانت ائمه اثنا عشری دانسته است. عدم اعتقاد و اعتناء نادر شاه افشار به صنف روحانی شیعه نیز ناشی از مذهب قزلباشی وی است. اساساً در مذهب علوی صنفی به نام روحانی و مجتهد و غیره وجود ندارد. ادعا شده است که نادر شاه خود را از پیغمبر اسلام برتر دانسته و حتی ادعای الوهیت کرده است. جدا از مسأله تناسخ؛ حلول و تجلی و نیز خود را هم سنگ و حتی بالا پایه تر از ولیان و امامان و پیغمبران دیدن، ادعاهایی است که در ادبیات و شطحیات باطنیان و غلات از جمله قزلباشان ترک علوی به وفور یافت می شوند.